

۱۳۳۷۱۷۹

۹۲۸۴

کتابخانه

سلسله تک نگاشت های
الگوی اسلامی ایران پیشرفت

مدیریت از طریق ارزشیابی عملکرد برای هدایت مسیر پیشرفت جامعه

مهر ماه ۱۳۹۴

5323P

۱۳۹۱/۱۲/۱۴

سرشناسه

: پورعزت، علی اصغر، ۱۳۴۵ - Pourzezzat, Aliasghar	: عنوان و نام پدیدآور
: مدیریت از طریق ارزشیابی عملکرد برای هدایت مسیر پیشرفت جامعه	: مشخصات نشر
: تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۴.	: مشخصات فیزیکی
: ۷۶ ص: محور	: فهرست
: سلسله تک نگارشات‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ ۵۰	: وضعیت فهرس
: A : 6-7611-978-۰۰۰۹۷۸-۰۰۰۰ هریال	: یادداشت
: ای مختصر	: است
: قهرم نویسی کامل اثر ابن در نشانی: http://opac.nla.ir قابل دسترسی	: شناسه افزوده
: کز الگوی می ایرانی پیشرفت	: شماره کتابشناسی ملی
	۱۱۴۵۲۸

نگارش: علی اصغر پور عزت (استاد دانشگاه تهران)

ناشر: نشر الگوی پیشرفت، وابسته به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
نوبت چاپ: اول، مهرماه ۱۳۹۴
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

-600-7611-38-A:0

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

٢١٨٨٤٣ - ٤٤٤٨

משהו אחר הוא

www.oigou.ru
ilalov@sk

Email:olgou@olgou.ir

مسئولیت دیدگاه‌های بیان‌شده در این تک نگاشت بر عهده مؤلفان محترم است.

پیشگفتار

تعیین مبانی، ارکان، چارچوب و مسیر پیشرفت کشور در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باید با مشارکت گسترده و حضور همه جانبه دانشمندان، محققان، نخبگان دانشگاهی و حوزوی و جانانان مرز و بوم صورت گیرد. به گواه تاریخ و تجارب گذشته، پیشرفتی همه جانبه و پایدار خواهد بود که مبانی اسلامی و اقتضائات ایرانی در آن توأمان مورد توجه باشد.

اینک مرکز آملوی اسلامی ایرانی پیشرفت در آستانه اتمام سه سال تلاش‌های علمی، تخصصی و فکری درباره پیشرفت اسلامی ایرانی، برگزاری نشست‌های علمی و تخصصی، تأسیس اندیشکده‌های مرکز، انتشار مجله مقاله ارزشمند و تهیه نقشه راه تدوین الگو و انجام برخی از مراحل آن، در نظر دارد با هدف تملک دانش و گسترش و تعمیق ادبیات موضوعی در حوزه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ادبی را به صورت تک‌نگاشت‌های علمی فاخر منتشر نماید. تک‌نگاشت نوشتاری تخصصی و نیمه مبسوط است که توسط یک پژوهشگر خبره در یک موضوع خاص نگاشته می‌شود. تک‌نگاشت از نظر حجم و محتوا فاصل مقاله و کتاب است و نویسنده با پردازش و تحلیل یافته‌ها و مطالعات تخصصی پیشین، آراء و یافته‌های پژوهشی جدید خود و تحلیل جامع و منسجم آنها افق‌های تازه‌ای را در زمینه مورد بررسی می‌گشاید.

سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که در مجلدات مختلف منتشر می‌شوند، حاصل تلاش جمعی از استادان، اندیشمندان و محققان دانشگاهی و حوزوی است که مراحل مختلف نگارش، ارزیابی، ویراستاری، تدوین و انتشار را با نظارت متخصصان و اهل فن گذرانده است و در اختیار صاحب‌نظران قرار می‌گیرد. در پایان از مساعدت‌ها و تلاش‌های ارزنده نویسندگان تک‌نگاشت‌ها و داوران و مراکز مختلف علمی و پژوهشی که ما را در تهیه، تدوین و انتشار این سلسله یاری رساندند، تقدیر و تشکر می‌شود. امید است این محتوای علمی بتواند افق‌های نو و روشنی را در پیش چشم متخصصان دانشگاهی و حوزوی بگشاید و هر روز در طی مسیر تدوین و تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت گام‌های بلندتر و استوارتری برداشته شود.

فهرست

۲	چکیده
۳	مقدمه
۴	بیان مسأله، سؤالات تحقیق
۵	روش تحقیق
۶	توسعه‌یافتنی، قبله کشورهای جهان در قرن حاضر
۸	مفهوم‌شناسی توسعه
۱۱	تبارشناسی و روند تحول رویکردهای توسعه
۱۳	دوره اول: رشد اقتصاد (۱۹۵۰-۶۰)
۱۴	دوره دوم: توسعه اقتصاد (۱۹۷۰-۸۰)
۱۵	دوره سوم: توسعه پایدار (۱۹۸۰-۹۰)
۱۶	دوره چهارم: توسعه انسانی (۱۹۹۰-...)
۱۹	دنیانگرایی، مؤلفه محوری توسعه
۲۰	شاخص‌های توسعه‌یافتگی
۲۵	ضرورت‌های تغییر الگوی توسعه
۲۷	تعالی جایگزین توسعه
۳۳	انسان و نیازهای او در پارادایم تعالی
۳۳	ویژگی‌ها و نیازهای انسان از دیدگاه اسلام
۳۶	چارچوبی پیشنهادی برای طراحی شاخص‌های پیشرفت و تعالی
۴۳	جمع‌بندی

چکیده

توسعه یافتگی، به عنوان اتوپییای قرن حاضر، امریست که تمام تلاشهای دولتها را در زمانه ما، خود معطوف کرده و همه ممالک، تلاش می کنند خود را هر روز به این مدینه فاضله نزدیکتر کنند. هر روز بیشتر به کشورهای توسعه یافته تشبه پیدا کنند. کشور ما نیز از این اعدّه مستثنی نبوده و اگر چه در مقام سخن همواره به نقد جوامع غربی پرداخته می شود، بی دردی به برنامه های توسعه کشور در چهار دوره گذشته نشان می دهد که در مقام غربی، همان معیارها و شاخص های غربی (البته با اصلاحاتی جزئی) به عنوان معیار سنجش توفیق آنها مدنظر قرار می گیرد. انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (رحمت الله علیه) با هدف حیات تفکر دینی و حیات طیبیه انسانی در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و سیر حرکت تمدن مدن را که مدعی بود دین در دوره جدید هیچگونه جایگاهی ندارد، زیر سؤال برد. اما این پرسش وجود دارد که آیا قالب برنامه ریزی و شاخص گذاری ای که برای رسیدن به این هدف در سال گذشته به کار گرفته شده، اساساً با این هدف سازگار است؟ و آیا این وسیله (توسعه) به آن مقصد (حیات طیبیه) می رساند یا خیر؟ اگر به عنوان یک مشاهده کننده به شیرازی، نگارانه به جامعه ایران بنگریم، مشاهده می کنیم که هر چه کشور ما از لحاظ شاخص های توسعه یافته تر شده است، ارزش های اصیل اسلامی- ایرانی در جامعه کم رنگ تر شده است و ارزش های غربی جایگزین آنها شده است. بر این اساس در این نوشتار به دنبال آن هستیم که نشان دهیم الگوی توسعه اساساً قادر نیست جامعه ایران را به حیات طیبیه سوق دهد و تلاش برای ارتقاء شاخص های توسعه ما را از اهداف انقلاب اسلامی دور می نماید و به همین دلیل لازم است الگویی جایگزین (که در این تئنگاشت و تألیفات پیشین نویسنده تحت عنوان الگوی تعالی مطرح شده است) طراحی و بسط یابد که خود شاخص های مختص

خود را دارا می‌باشد.

بدین ترتیب در این تک‌نگاشت ابتدا الگوی توسعه و شاخص‌های آن مورد بحث قرار گرفته و سپس بیان می‌شود که چون غایت این الگو، تنها و تنها توسعه تمتع و رفاه مادی بشر است و دین نه تنها در آن جایگاهی ندارد بلکه حتی مخل توسعه نیز شمرده می‌شود، اساساً با هدف آفرینش انسان یعنی قرب الهی سازگاری ندارد و لذا نمی‌تواند الگوی مناسبی برای انقلاب اسلامی ایران جهت رسانیدن انسان به حیات معنوی باشد؛ لذا بایستی در الگو و شاخص‌های آن تجدید نظر صورت گیرد.

پس از آنکه وجه سلبی بحث، وجه ایجابی یعنی ارائه الگوی جایگزین مطرح شده و الگویی تحت عنوان «تعالی» با هدف قرب انسان به خداوند متعال، معرفی می‌گردد و چارچوب شاخص‌گذاری بری آن به عنوان جایگزین شاخص‌های موجود توسعه که میزان دستیابی بشر به رفاه مادی صرفاً را آن هم به صورتی ناقص اندازه‌گیری می‌کنند، ارائه می‌شود. این چارچوب شاخص‌گذر که با نگاه به منابع دینی طراحی شده است، بر مبنای چهار رابطه انسان، یعنی رابطه انسان با خدا، خود، دیگران و طبیعت تعریف شده است:

محور رابطه انسان با خدا شامل سالی وظایف الهی در قبال خداوند و فرستادگان و اولیاء او است. بر این اساس لازم است حکومت اسلامی مقدمات و آموزشهای لازم را برای آنکه آحاد جامعه حقوق الله را رعایت نمایند فراهم آورد. بر این اساس لازم است شاخص‌هایی مبنی بر اینکه آحاد جامعه تا چه میزان حقوق الهی را رعایت می‌کنند تدوین و به طور مرتب اندازه‌گیری شود و سپس تلاش معلمان شاخص‌ها ارتقاء یابد. همچنین حکومت اسلامی بایستی با شاخص‌هایی تلاش نماید تا سبک را نیز در جامعه کاهش دهد تا روی دیگر حقوق الهی بدین ترتیب رعایت شود. بدین ترتیب بر اساس آیه ۹۶ سوره مبارکه اعراف، هر اندازه این شاخص‌ها ارتقاء یابند باعث رونق زندگی این دنیایی در عالی‌ترین شکل خود نیز می‌شوند.

در محور رابطه انسان با خود، نیز وظیفه حکومت اسلامی آن است که مقدماتی را فراهم نماید که افراد جامعه کلیه نیازهای مادی (شامل امنیت، آرامش، رفاه، خوراک، پوشاک، نیازهای جنسی و بقای نسل، ارتباطات و حمل و نقل، مسکن، ابزارآلات (سخت‌افزار و اثاث زندگی)، دارو، درمان و بهداشت، سلامت و توانایی جسمی) و معنوی (شامل گرایش به پرستش، گرایش به حقیقت‌جویی (دانایی)، گرایش به خیر و فضیلت (اخلاق)،

گرایش به جمال و زیبایی و گرایش به خلاقیت و نوآوری) خود را به میزان لازم و به طور هماهنگ برآورده نمایند.

در زمینه رابطه انسان با دیگران می‌توان آنرا به روابط خویشاوندی و غیرخویشاوندی تقسیم نمود. در روابط خویشاوندی رابطه انسان با خانواده و اقوام وجود دارد. انسان در خانواده با والدین، برادران و خواهران و همسر و فرزندان در تعامل است و در زمینه رابطه با اقوام نیز اقوام سببی و نسبی قابل تعریف است. در زمینه روابط غیرخویشاوندی نیز دایره رابطه به همسایه و همکار، همشهری، هم‌وطن، هم‌کیش (امت اسلامی) و در بزرگتر این دایره ناهم‌کیشان در صحنه بین‌المللی گسترش پیدا می‌کند. بر اساس آنچه گفته شد حکومت اسلامی بایستی برای هر یک از روابط فوق شاخص‌هایی را تعیین نماید و همواره سعی در الزام این شاخص‌ها نماید.

سرانجام نیز چهار این رابطه، رابطه انسان‌ها با طبیعت می‌باشد که منابع اسلامی سرشار از شاخص‌هایی است که رابطه انسان‌ها با محیط زیست و گیاهان و حیوانات را تنظیم می‌کند و این سفارشات آنجا که از منبع وحی سرچشمه می‌گیرد. لذا مانند قوانین بشری، نسبی و مقرون به خلائق باشند.

واژگان کلیدی: تعالی، توسعه، رشد، تنوع، تنوع مادی، قرب، پیشرفت، شاخص

مقدمه

توسعه به معنای مدرن آن با قدمتی شصت و پنج ساله و ریشه‌هایی چند صد ساله که به رنسانس بازمی‌گردد، با مبنا قرار دادن نیازهای مادی انسان تلاش نموده «حیات دنیا»ی انسان را بهبود بخشد. اما آنچه در حال حاضر و با گذشت بیش از شش دهه مشاهده می‌شود آن است که این حرکت به دلیل اشکالات زیربنایی در نگاه مدرن به انسان و جهان، نافرجام مانده و توسعه جهانی آباد همراه با صلح و آرامش را برای ابناء بشر بوجود آورد و لذا اندیشمندان غربی نیاز به تغییر نگرش عمیقی در این زمینه را مدتهاست گوشزد کرده‌اند. بنابراین حرکت در راستای توسعه و سوی توسعه و قرار دادن آن به عنوان برنامه عمل جمهوری اسلامی ایران زیر سؤال رفته و تغییر رویکرد در کشور ما نیز به شدت احساس می‌شود. بر همین مبنا، رهبر معظم انقلاب، (مد ظله العالی) ضرورت پرداختن به الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی که مبتنی بر ارزشهای اسلامی، و با هدف رساندن انسان به حیات طیبه طراحی شده باشد را در سال ۱۳۸۶ مطرح نمودند:

این طلسم که کسی تصور کند که پیشرفت کشور باید از نگاه‌های غربی انجام بگیرد، این وضعیت کاملاً خطرناکی برای کشور است. الگوهای غربی با شیوه زندگی خودشان، با مبانی ذهنی خودشان، با اصول خودشان شکل پیدا کرده؛ بعلاوه ناموفق بود. بنا به طور قاطع این را می‌گویم: الگوی پیشرفت غربی، یک الگوی ناموفق است. درست است که به قدرت رسیده‌اند، به ثروت رسیده‌اند؛ اما بشریت را دچار فاجعه کرده‌اند. پیشرفت‌های غربی، پیشرفت‌هایی است که امروز همه دنیا و همه بشریت دارند از آن رنج می‌برند؛ کشورهای عقب‌مانده یک جور، کشورهای پیشرفته یک جور. این همان پیشرفت و توسعه‌ای است که توانسته است گروه‌های معدود و انگشت شماری از خانواده‌های ثروت را به ثروت برساند؛ اما ملت‌های دیگر را دچار اسارت و تحقیر و استعمار کرده؛ جنگ به وجود آورده و حکومت

تحمیل کرده است و در داخل خود آن کشورها هم اخلاق فاسد، دوری از معنویت، فحشا، فساد، سکس، ویرانی خانواده و این چیزها را رواج داده. بنابراین، موفق نیست. شما الان اگر آثار ادبی کشورهای غربی - مثلاً فرانسه - را که مربوط به سه قرن یا دو قرن پیش هست، بخوانید، وضع امروز آنجا را هم مطالعه کنید، خواهید دید مردم آنجا از لحاظ اخلاقی به میزان بسیار زیادی عقب رفته‌اند؛ از لحاظ وضع زندگی هم به آنها خدمتی نکرده؛ یعنی فقر در آنجاها برنیفتاده است. در آنجا کار و تلاش زیاد است؛ اما دستاورد و محصول برای فرد و برای خانواده کم. بنابراین، پیشرفت غربی، پیشرفت ناموفقی است (مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد- ۱۳۸۶/۲/۲۵).

اکنون در جیک به سکندار حکیم انقلاب، محققان کشور بایستی در یک جهاد علمی، الگویی را طراحی نمایند که بتواند ایران اسلامی را به صحنه تجلی حیات طیبه تبدیل نموده و اسوه حسنه‌ای برای دیگر کشورها فراهم آورد. بر همین اساس در این نوشتار تلاش شده است پس از بررسی و تبیین اجمالی الگوهای توسعه موجود و شاخص‌های آن‌ها، الگویی جایگزین با عنوان «توسعه تعالی» ارائه شده و چارچوبی برای تدوین شاخص‌های آن ارائه شود.

بدین ترتیب در این نوشتار ابتدا به مفهوم توسعه و تبارشناسی توسعه پرداخته و پس از تحلیل روند تحول رویکردهای توسعه، شاخص‌های توسعه و روند تحولات این شاخص‌های به موازات تغییر در رویکردها مورد بحث قرار گرفته است. در مرحله بعد چرایی نیاز به تغییر این الگو از نگاه اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان شرح شده و سپس پارادایم تعالی به عنوان جایگزین پارادایم توسعه مطرح و چارچوبی برای سنجش گذاری آن ارائه شده است.

اما پیش از ورود به بحث لازم است تعریفی از پارادایم ارائه شود. کوهن در کتاب ساختار انقلاب‌های علمی، دو تعریف برای این واژه ارائه می‌دهد. پارادایم در یک معنا، آمیزه کاملی از باورها، ارزش‌ها، روش‌ها و قواعدی است که اعضای یک یا چند جامعه علمی در آن اشتراک دارند. در این معنا پارادایم یک برداشت فلسفی - جامعه‌شناختی از اندیشه‌های راهنمای علم در هر دوره تاریخی معین است. در معنای دوم نیز، پارادایم مدل و الگوی عام طرح مسائل علمی و جست و جوی راه حل آن‌ها در علوم مختلف است. (کوهن،^۱

۱۳۸۳: ۹۴). در این مقاله آمیزه‌ای از هر دو تعریف فوق مد نظر می‌باشد، چرا که از یک سو پارادایم‌های توسعه و تعالی هر یک مشتمل بر آمیزه‌ای کامل از باورها، ارزش‌ها، روش‌ها و قواعدی هستند، که البته در حال حاضر به دلیل آنکه پارادایم توسعه، پارادایم غالب می‌باشد، اولی مورد اشتراک جامعه علمی است، و از سوی دیگر هر دوی این موارد، مدل‌ها و الگوهایی برای طرح و حل مسائل مرتبط با اداره جوامع انسانی هستند (مختاریان پور، ۱۳۹۰).

بیان مسئله و سوالات تحقیق

انقلاب مشروطیت در سال ۱۳۵۷ به عنوان احیاگر معنویت در جهان بی‌روح^۱ با این هدف بنیان‌گذاری شد که نقشی نو برانداخته و افق‌های جدیدی را فراروی بشریت بگشاید. از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی آرمان‌های بسیار بلندی مطرح شده و این آرمان‌ها نوید دنیای جدید در تمدن جدیدی را می‌داد. با استقرار جمهوری اسلامی ایران و شروع جنگ تحمیلی به مدت ۸ سال کشور در جبهه نظامی به مقابله با تمدن غرب پرداخت و به حق، از این نبرد سربلند بیرون آمد. اما پس از پایان جنگ، کشور ما که از نبود برنامه مدون و بلندمدتی برای اداره کشور رنج می‌برد به تدوین برنامه اول توسعه پرداخت و از آنجاییکه این اولین تجربه برنامه‌ریزی بلندمدت و کلان پس از انقلاب اسلامی بود، لذا تا حدود زیادی از چارچوب و شانسی‌های برنامه‌های توسعه مرسوم در دنیا استفاده شد. در واقع برنامه‌های توسعه کشور طی ۲۰ سال گذشته همان مسیری را دنبال نموده‌اند که دنیای توسعه‌یافته آنرا در پیش گرفته است و آرمان مدنظر ما آن بوده که کشور، در کنار دارا بودن ویژگی‌های یک کشور کلاسیک توسعه‌یافته و تکنولوژیک، اسلامی نیز بوده و حیات معنوی نیز در آن جریان داشته باشد. اما نکته‌ای که از آن غفلت شده آن بوده که بنا بر مبانی رویکرد توسعه (یعنی تفکر مدرن)، حیات معنوی با توسعه‌یافتگی (به معنای رایج آن) قابل جمع نیست و این محمل (توسعه) ما را به هدف انقلاب اسلامی یعنی حیات معنوی نمی‌رساند؛ بهترین شاهد این امر نیز وضعیت موجود کشور می‌باشد که در آن هر چه توسعه‌یافته‌تر شده‌ایم، جامعه از ارزش‌های اسلامی فاصله گرفته است. ما اگر همانگونه که آمارها نشان می‌دهد، در دهه ۷۰ توسعه یافته‌تر از دهه

۱- اشاره به تعبیر میشل فوکو در کتاب «ایران: روح یک جهان بی‌روح».